انشاءالله رحمتی:

ترجمه آثار «کربن» از «کانت» دشوارتر است

منیره پنج‌تنی

کمتر کسی با فلسفه سروکار دارد و نام «انشاءالله رحمتی» را نشنیده است. نام او با ترجمه آثار کلاسیک فلسفه و همچنین حوزه فلسفه اسلامی و عرفان پیوند خورده و در سال‌های اخیر، بیشتر به تحقیق و ترجمه آثار «هانری کربن» شناخته شده است. در سال ۱۳۹۱ ترجمه دو جلد از چهار جلد کتاب «چشم‌اندازهای فلسفی و معنوی اسلام ایرانی» به قلم هانری کربن با ترجمه رحمتی از سوی انتشارات «سوفیا» منتشر شد و در ۱۳۹۲ همین نشر، کتاب «کیمیای خرد: جستارهایی در زمینه دین و اخلاق» را به قلم او منتشر کرد. درباره این دو اثر و همچنین درباره مشی فکری این استاد فلسفه، گفت‌وگویی با او داشتیم:

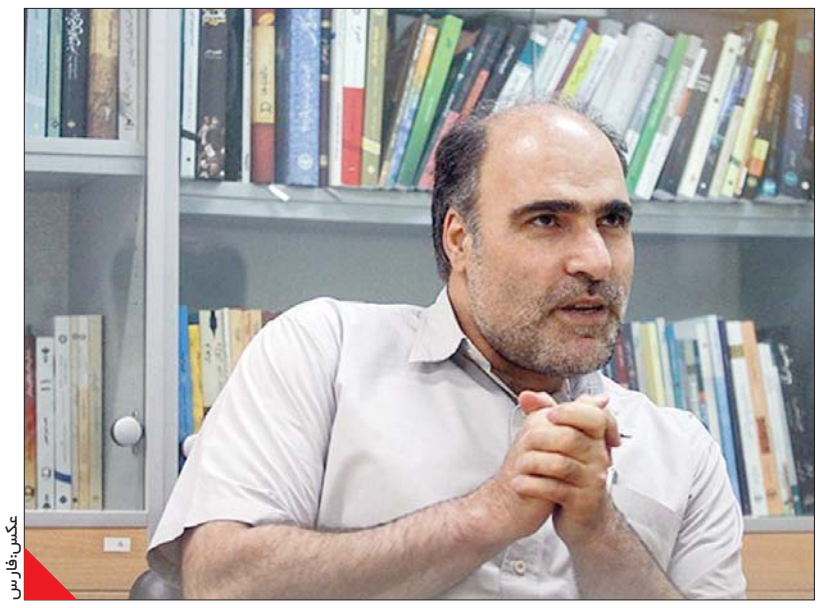

عکس: فارس

در مطالعه کتاب «کیمیای خرد» نکته مهمی توجهم را به خود جلب کرد، با اینکه مقالات شما در طول یک‌دهه و با موضوعات متنوع به نگارش درآمده‌اند، اما عمدتا روح واحد و به تعبیر دقیق‌تر دغدغه واحدی دارند. این امر سبب می‌شود خواننده وقتی مقالات به ظاهر مستقل این اثر را مطالعه می‌کند، احساس کند با کتاب منسجمی مواجه است که می‌تواند بخش مهمی از دغدغه‌های او در حوزه دین و اخلاق را به چالش بکشد. آیا برای نگارش این مقالات و سپس در کنار هم قراردادن‌شان به‌عنوان یک اثر واحد، از قبل طرح مشخصی‌داشتید؟

من در ابتدا طرح مشخصی برای تالیف این کتاب نداشتم، اما با توجه به اینکه دغدغه‌ها و سوال‌هایم واحد بودند، آثاری که در این سال‌ها منتشر کرده‌ام از یک سبک و دغدغه واحد پیروی می‌کنند. در این مسیر مطالعاتی، هرگاه به سراغ موضوعی می‌رفتم، صرفا به یک مطالعه مقطعی بسنده نمی‌کردم؛ هر مقاله‌ای که می‌نوشتم حاصل چند ترم تدریس یا ترجمه چند کتاب بوده است و البته همان‌طور که شما هم گفتید، دغدغه واحدی بر هر یک از آنها حاکم بوده است. مایل بودم برخی از مقالاتی که در کتاب کیمیای خرد منتشر شده، فصلی از یک کتاب مفصل‌تر باشد ولی فعلا به همین مقدار بسنده کردم و در کتاب هم متذکر شدم که نتوانستم به همه ابعاد موضوع بپردازم، امیدوارم که این فرصت برایم محقق شود.

در مقدمه‌تان بر کتاب گفته‌اید که مضمون ۲۱مقاله این اثر دین و اخلاق است و سهم مباحث دینی را پررنگ‌تر دانسته‌اید. وقتی می‌گویید دین و اخلاق، این دو را به چه معنی از یکدیگر تفکیک می‌کنید و به عبارت دیگر چه معنایی از اخلاق را مراد می‌کنید؟

منظورم این نبوده که نسبت دین و اخلاق را مورد بحث قرار دهم، در واقع مرادم این است که مسایل متافیزیکی را بررسی کرده‌ام اما از مباحث اخلاقی هم غافل نبوده‌ام. با اینکه به استقلال این دو رشته قایلم و در «مقاله اراده الهی و استقلال اخلاق» هم درباره این موضوع بحث کرده‌ام که اخلاق مستقل از دین است و برای اثبات استقلال اخلاق نیازی به دین وجود ندارد، اما در عین حال که مستقلند تعاملات سازنده‌ای با هم دارند. در مقالات این کتاب عمدتا دغدغه دینی داشتم ولی در بخشی از مقالات دغدغه اخلاقی هم دیده می‌شود. مضمون غالب این کتاب دو موضوع دین و اخلاق است، برخی مباحث، دینی محضند مثل «برهان وجودی» که به فلسفه دین می‌پردازد و برخی مثل «سرود عدالت» یکسره بحث فلسفه اخلاق است. مقالاتی هم هست که دین و اخلاق را در کنار هم قرار داده‌ام، برای مثال در مقاله «دین و اخلاق و محیط‌زیست» به این موضوع پرداخته‌ام که اگر چیزی به اسم بحران محیط‌زیست مطرح است، دین و اخلاق می‌توانند چه رهنمودهایی برای حل این بحران داشته باشند.

فصول ۱۸ تا ۲۱ کتاب «کیمیای خرد» به مکتب حکمت خالده یا سنت‌گرایی اختصاص دارد. با توجه به این اثر و دیگر آثارتان، آیا می‌توان شما را یک «سنت‌گرا» نامید؟

به نکته جالبی اشاره کردید. اکثر مواقع از من درباره اینکه سنت‌گرا هستم یا خیر سوال می‌شود، گاه حتی ممکن است دوستانی چنین نسبتی را به بنده بدهند. بنابراین در پاسخ به پرسش شما باید بگویم، من به سنت‌گرایی تعلق‌خاطر عمیقی دارم و بخشی از آثار سنت‌گرایان مانند «معرفت و معنویت»، «دین و نظم طبیعت»، «هنر و معنویت» را ترجمه کرده‌ام، اما همواره کوشیده‌ام یکسره در بند سنت‌گرایی نباشم. فکر می‌کنم اگر ما به موضوعات، نگاه فلسفی داشته باشیم و راهبر ما در مسایل فلسفی عقل باشد، عقل را نمی‌توان به چارچوب مکتب خاصی محدود کرد. همچنین باید اضافه کنم که سنت‌گرایی، بصیرت‌های عمیقی را برای بشر امروز مطرح کرده است و نظریه عمیقی برای فهم سنت‌های بشری ارایه می‌کند، ولی شاید در روش و نتایجی که می‌گیرد، نقصان‌هایی داشته باشد. با توجه به این مساله من خود را محدود نکردم و فکر می‌کنم، به‌رغم تعلق‌خاطری که به سنت‌گرایی دارم، کوشیده‌ام از آنچه که سنت‌گرایان می‌گویند فراتر بروم. کارهای سال‌های اخیرم، به‌ویژه تمرکز بر هانری کربن می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد. فرق کربن با سنت‌گراها در این است که او یک متفکر مدرن است ولی در عین حال تفکر مدرن را نقد می‌کند و می‌کوشد از پتانسیل‌های تفکر اسلامی به ویژه تفکر شیعی، کمال استفاده را بکند. پس من روش کربن را ترجیح می‌دهم و فکر می‌کنم کارآمدی بیشتری برای انسان امروز دارد، ما را در یک چارچوب خاص سنتی قرار نمی‌دهد و امکان گفت‌وگو بین سنت و مدرنیسم را بهتر از سنت‌گرایان تامین می‌کند. در مقاله «سنت‌گرایی و موانع فهم آن» به نوعی تعلق خاطرم به سنت‌گرایی را نشان دادم ولی لزوما در بند آن نبودم.

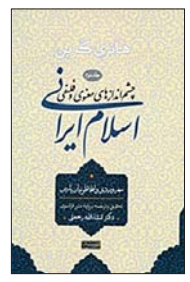

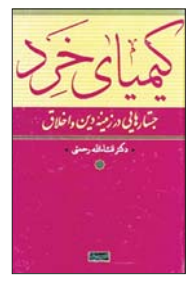

نگاه کربن در جلد نخست کتاب «چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی: اسلام ایرانی» تشیع ۱۲ امامی، تا چه اندازه به نگاه محققان شیعه و به ویژه ایرانی نزدیک است و مهم‌ترین اختلاف‌نظرهای او با آنها در چیست؟

برای مقایسه تفکر کربن با آنچه نزد محققان شیعه دیده می‌شود، می‌توان با تقسیم متفکران شیعه به دو گروه اهل ظاهر و باطن آغاز کرد. اهل ظاهر بیشتر به علوم ظاهری تشیع و اهل باطن به جنبه‌های حکمی و باطنی تشیع می‌پردازند. نگاه کربن تفاوت آشکاری با نگاه اهل باطن ندارد. او اختلاف چندانی میان طرفداران اصالت وجود یا طرفداران اصالت ماهیت یا حتی میان فیلسوفان و عرفا نمی‌بیند. از آنجا که او نسبت به متفکران مسلمان نگاه بیرونی دارد، اختلافشان چندان برای او جلوه نمی‌کند. مثلا تقابل ابن‌سینا و سهروردی را به گونه‌ای توضیح می‌دهد که تقابل میان آنها چندان برجسته نمی‌شود و به جای اینکه ما دو گروه فیلسوفان اشراقی و مشایی داشته باشیم یک گروه داریم: فیلسوفان سینایی. او وقتی فیلسوفان سینایی را معرفی می‌کند مثلا قاضی سعید قمی یا دیگر متفکران مکتب شیعه، همه را در یک گروه فکری واحد قرار می‌دهد و اختلافات آنها را فقط به جنبه ظاهری مربوط می‌داند و در عمق کلامشان تفاوت چندانی نمی‌یابد. اما درباره تفاوت نگاه او با متفکران شیعه، باید بگویم که او توانسته ابعادی را ببیند که متفکرانی که در متن آن اندیشه‌ها زندگی می‌کنند، قادر به دیدنشان نیستند. شناختی که او نسبت به نحله‌های دیگر چه در فلسفه غرب و چه در الهیات مسیحی و چه در ادیان دیگر دارد، همچنین روش پدیدارشناسانه‌اش، به کربن این امکان را می‌دهد که هرآنچه در تفکر مسلمان شیعه آمده در تقریر دوباره او جان دیگری بگیرند و نه‌تنها این اندیشه‌ها پیش‌پاافتاده نیستند بلکه به صورت زنده‌ترین پاسخ‌ها برای مسایل فکری و معنوی بشر جلوه می‌کنند.

آثار هانری کربن دشوار و پیچیده و سرشار از رمز و کنایه هستند. مهم‌ترین مشکلات شما در ترجمه این مجموعه چهار جلدی چه بوده است؟

ترجمه متون تخصصی فلسفی و عرفانی دشوار است و همه اهل نظر که با متن‌های کربن آشنا هستند می‌دانند که این دشواری دوچندان است. من قبلا هم ترجمه‌هایی از متون کلاسیک فلسفی غربی انجام داده‌ام، اما قاطعانه می‌گویم که ترجمه کربن از آنها بسیار سخت‌تر است، من به عنوان کسی که کتاب «نقد عقل عملی» کانت را ترجمه کرده‌ام، می‌گویم که ترجمه آثار کربن حتی از ترجمه آثار کانت هم دشوارتر است. مترجم باید برای هر بحثی که کربن طرح می‌کند تحقیق کند و در واقع اصلا نمی‌توان به ترجمه صرف اکتفا کرد، برای ترجمه آثار کربن باید آبشخور افکار او در اختیار مترجم باشد. بدون رجوع به متون مورد استفاده او، ترجمه کربن اصلا ترجمه قابل فهمی نیست. در واقع وقتی کربن بحثی را مطرح می‌کند باید حدس زد که او به چه اشاره دارد و تا مترجم به آن مساله دسترسی پیدا نکند، نمی‌تواند اثر را ترجمه کند و از آنجا که اغلب هم منبع را مشخص نمی‌کند، کار دشوارتر می‌شود. مشکل دوم پس از اینکه حدس زدیم این جمله از کجا آمده و در کدام نسخه خطی به آن اشاره شده، این است که باید نسخه خطی را پیدا کنیم و در مرحله بعد باید جمله کربن را در نسخه خطی بیابیم. در بسیاری موارد او متن را عینا از کتاب یا نسخه خطی ترجمه نکرده بلکه برداشت خود را با اصطلاحات خاص خود تالیف کرده است. کار او بسیار به هایدگر شبیه است. هایدگر وقتی مطلبی را از فیلسوفان پیش سقراطی مثلا از پارمنیدس می‌آورد، آن جمله را به صورت متعارف ترجمه نمی‌کند و از این رو مترجمان هایدگر هم همین مشکل را دارند. من برای هر جمله تحقیق کردم، زیرا اگر ما به اصل متون دسترسی پیدا نکنیم، نمی‌توانیم جملات کربن را برگردانیم. در ترجمه‌های اولیه‌ای که در ایران از آثار کربن می‌شد به نظر می‌رسید کربن قابل ترجمه نیست و به نظر من اگر ما فرآیندی را که توضیح دادم پیگیری نکنیم، کربن اصلا قابل ترجمه نیست.

ترجمه شما از کتاب «چشم‌اندازهای معنوی اسلام ایرانی» بر اساس متن فرانسوی بوده است، آیا شما در این اثر به ترجمه‌های انگلیسی هم نظر داشتید؟

اسلام ایرانی ترجمه انگلیسی ندارد، غیر از جلد دوم که ترجمه انگلیسی اینترنتی دارد که آن هم ترجمه خوبی نیست و اشتباهات زیادی دارد، اما با این حال باز هم به آن ترجمه هم نظری انداختم. جلد یک ترجمه عربی دارد و از آن استفاده کردم، اما جلد سه و چهار هیچ ترجمه‌ای به انگلیسی ندارد.

جلد سوم و چهارم این اثر چه وضعیتی دارد و در چه مرحله‌ای است؟

بخش عمده جلد سوم ترجمه شده است، آنچه باعث وقفه شده برخی نسخ خطی است که جلد سوم بر اساس آنها تقریر شده به خصوص نسخه‌هایی که به روزبهان بقلی شیرازی و علاءالدوله سمنانی متعلق است. برخی از آثاری که کربن استفاده کرده نسخه خطی و کمیاب است و من هنوز آنها را نیافتم ولی اگر پیدا کنم جلد سوم به سرانجام می‌رسد اما جلد چهارم این مجموعه را هنوز شروع نکرده‌ام.

قفسه

پیامبر نقابدار

کتاب «مقنع و سپیدجامگان» نوشته پاتریشیا کرون و ترجمه مسعود جعفری‌جزی توسط نشر ماهی منتشر شد. «پاتریشیا کرون» متولد ۱۹۴۵، پژوهشگر و استاد مطالعات ایران و اسلام در موسسه تحقیقات عالی پرینستون است و پیش از این کتاب، «تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام» از وی به فارسی ترجمه شده است. «مقنع و سپیدجامگان» در چهار فصل نوشته شده است: فصل اول به توضیح شخصیت و زندگی مقنع و مرام و مسلک او و پیروانش می‌پردازد. در فصل دوم تصحیح انتقادی داستان مقنع در تاریخنامه طبری و مقایسه تطبیقی آن با منابع تاریخی دیگر صورت گرفته است. «سپیدجامگان به روایت ابوتمام» که از داعیان اسماعیلی است و «ابوتمام و سپیدجامگان» فصل‌های بعدی کتاب‌اند. این کتاب می‌کوشد پرتو تازه‌ای بر زندگی و شخصیت رازآلود مقنع بیندازد.

مقنع هشام بن حکیم مروزی که در قرن دوم هجری قمری می‌زیست. رهبر جنبش شورشیان در سُغد و اصالتا اهل بلخ بود. او همراه با ابومسلم خراسانی در به قدرت‌رسیدن عباسیان و براندازی بنی‌امیه تلاش بسیار کرد، اما پس از خیانت و کشته‌شدن ابومسلم، از بنی‌عباس روی‌گردان شد و با ادعای پیامبری، جنبش سپیدجامگان را بنیان گذاشت. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: «مقنع که در منابع غربی با لقب پیامبر نقابدار شهرت دارد، در تاریخ و ادبیات ایران به سیمایی افسانه‌ای تبدیل شده است.» در منابع مختلف درباره مهارت مقنع در جادوگری سخن گفته شده است. او که مردی درس‌خوانده و عالم به شمار می‌رفت پس از مرگ عبدالجبار الازدی، دستگیر شد و مدتی در بغداد زندانی بود تا اینکه آزاد شد و به خراسان بازگشت. مقنع پس از مدتی دوباره به تبلیغ آیین خود دست زد و جنبشی تازه را شکل داد. درباره مقنع روایت‌های متفاوتی وجود دارد، گفته شده یاران وی رنگ سپید را در برابر رنگ سیاه لباس عباسیان انتخاب کردند. درباره مرگ وی نیز گفته شده پس از سقوط حصار بیرونی پناهگاهش خود را در تنور می‌اندازد تا بسوزد.

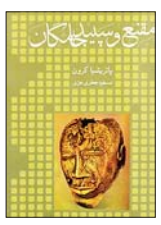

مقنع و سپیدجامگان
پاتریشیا کرون
ترجمه مسعود جعفری‌جزی
قیمت: ۸۰۰۰ هزار تومان
ناشر: ماهی

یادبود

به مناسبت ۸۳ سالگی فیلسوف فرانسوی

بوردیو، پیوند نظریه و عمل رسیدن به زندگی بهتر

شهاب تقی‌پور

«جهان اجتماعی می‌تواند هر آنچه که ساخته را، مسلح به همان دانش ساختش ویران کند»

بوردیو

«پی‌یر بوردیو» جامعه‌شناس مشهور فرانسوی در اول اگوست ۱۹۳۰ در دنگینکه، شهرک کوچک روستایی در جنوب‌شرقی فرانسه، متولد شد. بوردیو همواره در کارهای فکری‌اش در پی ارتباط مفاهیم نظریه جامعه‌شناختی‌اش با تحقیق تجربی بود. وی آثار خود را که طیف گسترده‌ای از علوم، از فلسفه و نظریه ادبی تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را در بر می‌گرفت، «تئوری عمل» می‌خواند. فاصله میان دنیای کودکی بوردیو و دنیای بعدی‌ای که به آنجا قدم گذاشت می‌توانست از علل احساس ناخوشایند او در جریان فعالیت‌های فکری‌اش نسبت به محیط روشنفکری پاریس باشد. او خود می‌گوید: «چرخشی که برای حرکت به سوی جامعه‌شناسی لازم بود از خود نشان بدهم با مسیری که از نظر زندگی اجتماعی پیمودم بی‌ارتباط نبود. من سال‌های کودکی خود را در روستایی دورافتاده در جنوب‌غربی فرانسه گذراندم و تنها با چشم‌پوشی از بسیاری تجربه‌ها و آموخته‌های اولیه خویش و حتی از لهجه‌ام، توانستم از نردبان تحصیلی بالا بیایم...». درگیری با روشنفکران و زیر سوال بردن آنها از دغدغه‌های اصلی فکری او در آینده شد. از تلاش‌های او برای اجرای بخشی از پروژه «پیوند نظریه و عمل» می‌توان به طرح جامعه‌شناسی «خوداندیشی» (Reflexivity) اشاره کرد. وی در مصاحبه با ایزابل گراو ضمن اینکه روشنفکران را مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنها را متهم می‌کند که به شکل کاملا احمقانه‌ای نسبت به پرسش‌های «خوداندیشی» بی‌اعتنا هستند، می‌گوید: «مساله این است که بتوانیم روحیه‌ای بیافرینیم که روی به سوی اندیشیدن داشته باشد. خود اندیشی باید شبیه به یک شمشیر داموکلس باشد، شمشیری که بدون هیچ بدخواهی بر فراز سر هر گروهی از تولیدکنندگان فرهنگی آویزان باشد. این نه یک تهدید بلکه یک اعلام خطر خاص نسبت به کاری است که ما انجام می‌دهیم، زیرا ما خود را سوژه‌ای آفریننده می‌شماریم.» روی دیگر سکه «پیوند جهان نظر و عمل» نزدیک‌شدن به جهان مردم عادی بود. بوردیو پس از آنکه به کمال و پختگی نظری رسید در این مسیر تلاش بسیاری کرد و با نوشتن کتاب‌هایی بر اساس تحلیل تجربی زندگی روزمره مردم عادی، این تلاش را پیگیری می‌کرد. کتاب «فلاکت آدم‌ها» پرفروش‌ترین کتاب بوردیو سلسله مصاحبه‌هایی طولانی است با نمونه‌ای بسیار گسترده از پایین‌ترین اقشار مردم کشور فرانسه: از کارتن‌خواب‌ها تا

ساکنان مناطق فقیرنشین شهرها و کارگران مهاجر، خرده‌کشاورزان، افراد پلیس، پرستاران، دانشجویان و... . بوردیو در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «ما در اینجا شواهد زنده‌ای را که مردان و زنان درمورد زندگی خود به دست ما سپرده‌اند، انتشار می‌دهیم تا توجه همراه با فهم و درک خواننده را به آنها جلب کنیم و آنها را آگاهی بخشیده و به راه خود بکشانیم.» درد و رنجی که جامعه‌شناسی بوردیو در اینجا به تصویر می‌کشد به فلاکت شرایط زندگی ناشی از کمبود امکانات و فقر مادی و مالی آدم‌ها منحصر نمی‌شود، بلکه صورت‌های جدیدی از فلاکت را نشان می‌دهد که در آن اهداف و آرزوهای مشروع انسان‌ها در راه خوشبختی و شکوفایی شخصی، دایما به موانع محکمی برخورد می‌کند و با قوانینی روبه‌رو می‌شود که اشخاص برای مقابله با آنها آماده نشده‌اند، بوردیو موانعی را که در خانه و مدرسه و بازار کار و رقابت‌های سخت اجتماعی و خشونت‌های شهری تولید و بازتولید می‌شود، آشکار می‌سازد و سازوکارهایی که زندگی را دردناک و حتی غیرقابل زیست و تحمل می‌کند را به تصویر می‌کشد. او همواره در کنش‌های جمعی معطوف به تغییرات اجتماعی-سیاسی نیز حضوری فعال داشت. پای ثابت همراهی با تلاش‌های اصیل روشنفکران در جهت تغییر جهان اجتماعی ذیل اصل کلی «پیوند بین نظریه و عمل» بود. در دسامبر ۱۹۹۵ به هنگام اعتصابات به ندای روشنفکران برای حمایت از اعتصابیون پاسخ داد. در سال ۱۹۹۸، در کنار بیکاران که مدرسه عالی تربیت استاد را در خیابان اولم اشغال کرده بودند، قرار گرفت و از روشنفکران الجزایری حمایت کرد. در ماه ژوئن ۲۰۰۰ در می‌یو با قرارگرفتن در کنار ژوزه بووه و مسوولان جنبش اتک، به تشکیل شبکه «نیروهای منتقد و پیشرو» برای مبارزه با جهانی‌کردن اقتصاد کمک کرد و... .

بوردیو تا پایان عمر از زندگی خانوادگی‌اش محافظت کرد. در اواخر عمر به اوج شهرت جهانی‌اش رسید و شخصیت عمومی مهمی در مباحث مهم کشور فرانسه و همچنین در سراسر اروپا شده بود. در سال ۱۹۶۸ مرکز جامعه‌شناسی اروپایی را تاسیس کرد و تا پایان عمر، مدیریت آن را برعهده داشت. در سال ۱۹۸۱ و در پی بازنشستگی ریمون آرون، کرسی جامعه‌شناسی کولژ دو فرانس به او اعطا شد. بوردیو طی چندین دهه دانشجویان کابیلیایی را که خواهان تحصیلات عالی بودند، مورد حمایت خود قرار داد، که نشان‌دهنده عزم جدی او برای اتکای به دانش و بازتولید اجتماعی آن برای نگه‌داشت امید و به‌جریان‌انداختن کوشش‌ها در جهت کاهش تسلط‌ها بود. لوییک واکان (LoïcWacquant) شاگرد پیشین وی غم‌انگیزترین موضوع را در رابطه با بوردیو این می‌داند که: «وی در حالی ما را ترک کرد که تعداد بی‌شماری ایده و پروژه جدید داشت...». پی‌یر بوردیو در ۷۱سالگی (۲۳ژانویه۲۰۰۲) بر اثر ابتلا به سرطان در پاریس درگذشت. گفت‌وگوی زیر برداشته شده از صحنه‌ای از فیلمی است درباره پی‌یر بوردیو که او را در جلسه‌ای در یکی از حومه‌های شهری فرانسه در حال بحث‌کردن با جوانان فقیر و شورشی نشان می‌دهد: «باید مراقب باشید که نفرت شما (از بعضی از آدم‌ها) - که می‌تواند مشروع باشد - باعث نشود که بصیرتتان را از دست بدهید و خودتان را از این ابزار شناخت محروم کنید... و توجیه‌تان این باشد که او یک روشنفکر است... یا کلمات قلمبه سلمبه‌ای مثل همانندسازی (Assimilation) و یکپارچه‌سازی (Integration) به کار می‌برد، باید بگویم واقعا آدم‌های مشنگی هستید... همین... من به خودم اجازه می‌دهم اینطور با شما صحبت کنم... تا خودتان را از این منابع فکری، به بهانه اینکه منشا آنها روشنفکران هستند محروم نکنید... روشنفکربودن یک مرض نیست...»

سپس بوردیو در حالی که جوانان شورشی را به خواندن کتابی از یک جامعه‌شناس مشهور دعوت می‌کند، اینگونه می‌گوید:

«او مردی بود با درک حساس و شناخت تحلیلی. مسایل و آثارش شاید بتواند به مردم کمک کند تا بتوانند هویت‌های تاریخی خود، رنج پدران و مادران و نیاکان خودشان را درک کنند. رنج از زبانشان و رنجی که از تغییر ملیت برده‌اند، رنج از شهروند تغییر ملیت داده، که نمی‌تواند از اصل و نسب خود فرار کند و رنج از ننگی که همیشه به همراه دارند».

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

جدول ۱۷۷۳

افقی:

۱- تربت - آدم آهنی - روز دهم محرم ۲- پسوند شباهت - سرپوش خانم‌ها - کشف‌شده ۳- آزرده - ماه قمری - پایین - برابر و مساوی ۴- عقیده و مسلک - نشانه آسیب یا بیماری - صدای افسوس ۵- افزایش ابعاد جسم بر اثر گرما - اشتیاق - دندانساز ۶- بزرگ‌ترین شاعر روم باستان - شوخ - آفرینش ۷- فرستاده - پایتخت مغولستان ۸- ضمیر سوم شخص مفرد - لال‌شدن - وسایل زندگی - مایه پیشرفت بعضی‌ها ۹- کتاب مشهور «دیدیه اراسم» - ادب‌آموختن ۱۰- روش و طریقه - شهری در آذربایجان غربی - کشورفلاسفه ۱۱- شب‌های قدر - رسید گمرکی - کشوری در اسکاندیناوی ۱۲- نااستوار - مقیاس طول - منزل بزرگ ۱۳- ماهی کنسروی - بلدرچین - ورزش آبی - قوای نظامی یک کشور ۱۴- فرمانروایی - خوش‌اخلاق - نوعی بیماری پوستی ۱۵- رونده - کلمه‌ای برای تاکید - ضمیر مخاطب عرب

عمودی:

۱- محافظ گل - ثلاثه مصر - ایست لاتین ۲- از شهرهای آلمان - شهرکی در کرمانشاه - سدی در آذربایجان غربی ۳- درخت کریسمس - امر به رفتن - مروت - ویتامینی در روغن‌ها ۴- همسن - از الفبای یونانی - عداوت ۵- گریزحیوان - واحد شمارش چار پا - حشره پشم‌خوار - از دین برگشته ۶- جراحات سر اثر این طبیب بزرگ تاریخ است - اتحادیه اقتصادی با عضویت و مشارکت ایران - چکش سنگین ۷- ستارگان - بدبخت ۸- سختی - نوعی پوشاک گشاد بی‌آستین - نسل سوم - سرازیری ۹- در برابر یگانگی - خطیب روم باستان ۱۰- مکر، فریب - باریک‌تر از... - گشایش ۱۱- آرزو - سرزمین بلقیس - شهری در آلمان - از بتهای معروف جاهلیت ۱۲- سپاس شیرین - محلی درخانه خدا - هافبک صباباتری ۱۳- پسوند شباهت - گشادگی - ضمیر متکلم وحده عربی - پول نامشروع ۱۴- جنین - زگیل - زوزه کش آهنی ۱۵- احسنت - ماسک - عدد دو رقمی

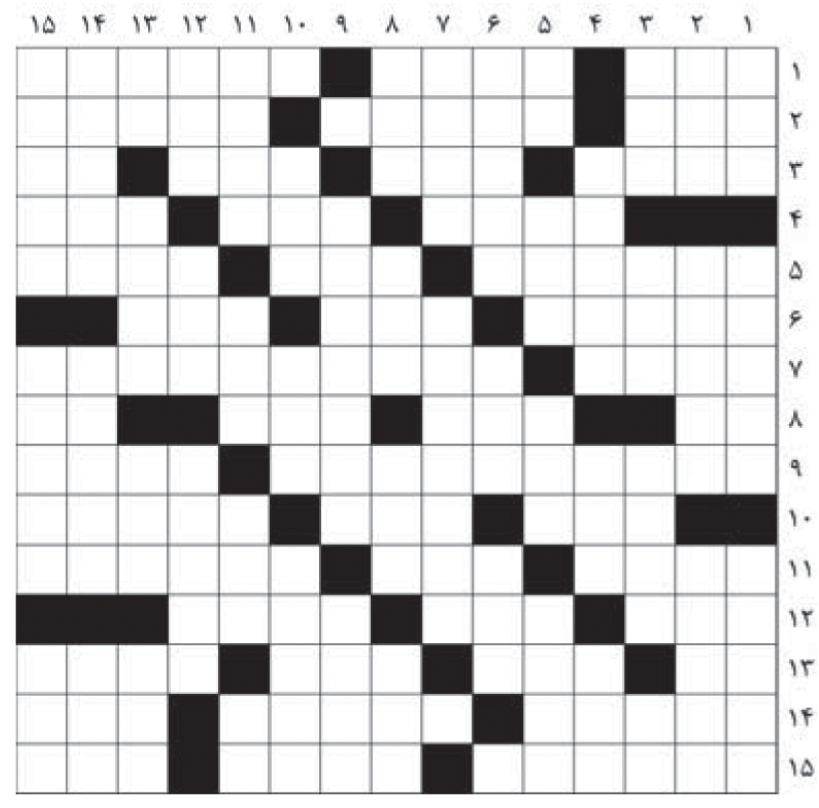

جدول ۱۷۷۲

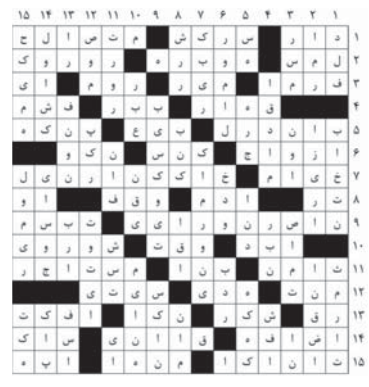

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۴۲۵

	۹		۴		۶			
	۸		۱	۷				۲
۵	۶		۸		۲			
	۵			۲			۷	
	۳	۱		۶	۴			
۹		۴	۷					۵
						۱	۸	
		۹	۳	۵				
۳	۴			۱				

حل سودوکو سخت

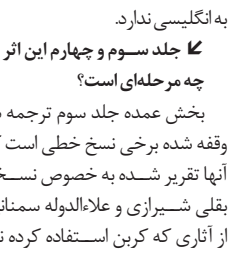

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۷۶

		۸	۱		۵			۶
	۵				۷	۱	۹	۲
۱				۲	۳			۵
۳		۹		۷			۱	۸
۷	۶		۲		۴			
۸	۴		۹			۲		
۵	۳		۶		۹	۸		
۶		۷		۴		۹		
		۴			۸		۲	۳

حل سودوکو ۷۷۵

۸	۹	۷	۲	۵	۶	۱	۴	۳
۶	۲	۱	۹	۳	۴	۷	۵	۸
۵	۴	۳	۸	۷	۱	۹	۶	۲
۹	۵	۸	۴	۲	۷	۳	۱	۶
۲	۷	۴	۶	۱	۳	۸	۹	۵
۳	۱	۶	۵	۹	۸	۴	۲	۷
۴	۸	۹	۷	۶	۲	۵	۳	۱
۷	۳	۲	۱	۴	۵	۶	۸	۹
۱	۶	۵	۳	۸	۹	۲	۷	۴